صدای ایران

ویژه دفاع مقدس
مردم ایران
در برابر آمریکا و رژیم صهیونی

۲۷۱

روزنامه اینترنتی
KHAMENEI.IR
پنجشنبه ۲۸ اسفند ۱۴۰۴

این شماره تقدیم میشود به
سردار شهید غلامرضا سلیمانی
رئیس سازمان بسیج مستضعفین که در حمله موشکی آمریکایی- صهیونی در اسفند ۱۴۰۴ به شهادت رسید.

فارسی | KHAMENEI.IR
@Khamenei_fa

امروز آمریکا غلط میفهمد مسائل را، محاسبه اش اشتباه و غلط است. دشمنان ما، ایران را نشناختند و غلط برنامه‌ریزی کردند، امروز هم نمی‌شناسند و غلط برنامه‌ریزی میکنند؛ آن روز بر اثر برنامه‌ریزی غلط شکست خوردند، امروز هم آمریکا بر اثر برنامه‌ریزی های غلطِ خود شکست خواهد خورد. ۱۴۰۴/۱۰/۱۹

گفتگوی تلویزیونی جوزف کنت، رئیس مستعفی مرکز ملی مبارزه با تروریسم آمریکا در دولت ترامپ با تاکر کارلسون مجری آمریکایی

افشاگری مقام مستعفی دولت ترامپ، زلزله‌ای سیاسی در آمریکا رقم زد

فروپاشی روایت جنگ در واشنگتن

سرمقاله

تجاوز آمریکا و اسرائیل به ایران، نه‌تنها با واکنش‌های گسترده جهانی مواجه شده، بلکه موجی از مخالفت‌ها را در داخل آمریکا نیز برانگیخته است؛ مخالفت‌هایی که دامنه آن حتی به نزدیک‌ترین چهره‌ها به دونالد ترامپ نیز رسیده است. این وضعیت از آن جهت قابل توجه است که مشروعیت این اقدام نظامی از همان ابتدا با مخالفت‌های جدی روبه‌رو بوده و کارشناسان آن را فاقد مبنای حقوقی و بین‌المللی می‌دانند.

در این میان، استعفای «جوکنت» از ریاست مرکز ملی مبارزه با تروریسم آمریکا را می‌توان نقطه عطفی مهم تلقی کرد؛ رخدادی که نشانه‌ای از فروپاشی روایت‌سازی در قلب دستگاه تولید مشروعیت جنگی واشنگتن است. در حالی که نهادهای سیاسی و رسانه‌ای آمریکا تلاش دارند این تجاوز را در قالب «دفاع پیش‌دستانه» و مقابله با یک تهدید فوری بازتعریف کنند، خروج یک مقام ارشد امنیتی با ادبیاتی صریح، این روایت را از درون با چالش جدی مواجه کرده است.

اهمیت استعفای کنت تنها در مخالفت با جنگ خلاصه نمی‌شود، بلکه در افشای سازوکارهایی نهفته است که به شکل‌گیری این درگیری انجامیده‌اند. او در نامه خود به دونالد ترامپ و همچنین در گفت‌وگوهای رسانه‌ای، به‌روشنی توضیح می‌دهد که مفهوم «تهدید قریب‌الوقوع» نه بر پایه داده‌های دقیق اطلاعاتی، بلکه بر اساس فرآیندی جهت‌دار و از پیش طراحی‌شده شکل گرفته است.

در چنین فضایی، اظهارات مقاماتی چون مارکو روبیو درباره «تهدید فوری» ایران، بیش از پیش رنگ می‌بازد. این وضعیت، نشانه‌ای از بهره‌برداری ابزاری از مفاهیم امنیتی برای پیشبرد یک دستورکار از پیش تعیین‌شده است؛ الگویی که پیش‌تر نیز در جریان جنگ عراق و ادعاهای مربوط به سلاح‌های کشتار جمعی مشاهده شده بود و اکنون با شکلی پیچیده‌تر در حال تکرار است.

از منظر ساختاری، استعفای کنت پرده از اختلالی عمیق در فرآیند تصمیم‌سازی امنیتی آمریکا برمی‌دارد. حذف صداهای مخالف، محدود شدن گردش آزاد اطلاعات و تبدیل جلسات تصمیم‌گیری به فضاهایی بسته و کنترل‌شده، همگی نشان‌دهنده غلبه اراده سیاسی بر ارزیابی‌های حرفه‌ای هستند. به گفته کنت، در آستانه این بحران، امکان ارائه یک «بازبینی منطقی» از سوی جامعه اطلاعاتی تا حد زیادی از بین رفته بود. این بدان معناست که تصمیم به جنگ، نه حاصل اجماع کارشناسی، بلکه نتیجه یک فرآیند مهندسی‌شده بوده که در آن، داده‌ها صرفاً برای توجیه تصمیمی از پیش اتخاذشده گزینش شده‌اند.

یکی از مهم‌ترین محورهای این افشاگری، تأکید بر نبود شواهد معتبر درباره حرکت ایران به‌سوی سلاح هسته‌ای است. این گزاره، ستون اصلی گفتمان تهدیدسازی علیه ایران را هدف قرار می‌دهد. اگر تهدید هسته‌ای وجود نداشته باشد و تهدید نظامی نیز ماهیتی واکنشی داشته باشد، در این صورت بنیان‌های استدلالی برای اقدام نظامی فرو می‌ریزد و آنچه باقی می‌ماند، تصویری از یک جنگ تحمیلی است که بر پایه فشارهای سیاسی و لابی‌گری شکل گرفته است.

در همین چارچوب، اشاره کنت به نقش تعیین‌کننده اسرائیل در شکل‌دهی به این بحران نیز قابل توجه است. او با طرح این موضوع، به‌طور ضمنی این پرسش را مطرح می‌کند که مرکز واقعی تصمیم‌گیری در چنین بحران‌هایی کجاست. گسترش این پرسش در افکار عمومی آمریکا و غرب می‌تواند به شکل‌گیری یک بحران مشروعیت جدی برای سیاست خارجی واشنگتن منجر شود؛ بحرانی که ریشه در ادراک فزاینده‌ای از وابستگی راهبردی دارد.

از سوی دیگر، هم‌صدایی برخی چهره‌های رسانه‌ای با این روایت، نشان‌دهنده انتقال شکاف از سطح نخبگان امنیتی به عرصه افکار عمومی است. این تحول از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا تداوم هر جنگی تا حد زیادی به پذیرش روایت آن در میان افکار عمومی وابسته است. هرچه این روایت بیشتر به چالش کشیده شود، هزینه‌های سیاسی و اجتماعی ادامه آن نیز افزایش خواهد یافت.

در نهایت، استعفای کنت را باید نشانه‌ای روشن از نبود اجماع در درون ساختار قدرت آمریکا درباره این جنگ دانست. این رخداد تصویری از یک درگیری ارائه می‌دهد که نه بر پایه تهدیدی واقعی، بلکه بر اساس بازنمایی‌های ساختگی، فشارهای سیاسی و مهندسی ادراک شکل گرفته است. چنین جنگی، علاوه بر آنکه از منظر حقوق بین‌الملل با چالش مشروعیت مواجه است، از درون نیز با بحران انسجام روبه‌روست. افزایش مخالفت‌های داخلی در آمریکا با تداوم جنگ، اهمیت فزاینده‌ای یافته است. هم‌زمان، در میدان نبرد نیز آمریکا و اسرائیل نتوانسته‌اند ایران را وادار به عقب‌نشینی کنند. در مقابل، ایران توانسته جایگاه خود را به‌عنوان یک بازیگر تعیین‌کننده در معادلات نظامی تثبیت کند. این شرایط، آمریکا را در یک بن‌بست راهبردی قرار داده است: خروج بدون دستاورد ملموس به تضعیف بیشتر اعتبار جهانی آن منجر می‌شود و ادامه درگیری نیز هزینه‌های سنگین‌تر و ضربات دردناک‌تری را به همراه خواهد داشت. در نتیجه، واشنگتن اکنون با یکی از پیچیده‌ترین موقعیت‌های تصمیم‌گیری در سال‌های اخیر مواجه است. در حقیقت ماجراجویی نظامی ترامپ و نتانیاهو اکنون به دیوار سخت ایران برخورد کرده و تحلیل محتوای سخنان ترامپ نشان می‌دهد که وی به دنبال دستاوردسازی برای فرار از این بحران خودساخته است. ■

سخنی با رهبر شهید

ای رهبر شهیدم، ای چراغ فروزان راه ایثار!
شما که جان شیرین خود را در راه دفاع از آرمان‌های بلند این ملت و میهن فدا کردید، نام و راهتان، همواره در قلب‌های ما زنده است و الهام‌بخش لحظه‌های سخت و شیرین زندگی‌مان.
روح بلندتان، فریاد عدالت‌خواهی و شجاعتتان، و هدایت‌های دلسوزانه‌تان، همچون نوری درخشان، راه را بر ما روشن می‌سازد.

آخرین صحبت یک **هموطن ایرانی** خطاب به رهبر شهید انقلاب اسلامی

جنگ منطقه‌ای

منطقه مثل قبل نخواهد شد

فردای پایان جنگ تجاوزکارانه‌ای که آمریکا و رژیم صهیونی علیه ایران به راه انداخته‌اند، خلیج فارس دیگر هرگز مانند گذشته نخواهد بود. چرا که پیامدهای اقتصادی، ژئوپلیتیکی و امنیتی ناشی از آن ساختار منطقه را برای همیشه تغییر داده است. رسانه آمریکایی واشنگتن پست اذعان کرده که حتی یک آتش‌بس کوتاه مدت، نمی‌تواند ریسک‌ها و پرمیای قیمت ناشی از کنشگری ایران را به‌طور کامل از بین ببرد. به اعتقاد واشنگتن پست، در کنار این عوامل اقتصادی، ایران با حفظ ظرفیت‌های نظامی و استراتژیک خود، همچنان می‌تواند عبور کشتی‌ها و معادلات امنیت انرژی را تحت کنترل قرار دهد. این واقعیت باعث شده که فعالان اقتصادی و معامله‌گران، از همین حالا ریسک‌های بلندمدت منطقه را در محاسبات خود لحاظ کنند. جدای از این و بر اساس تحولات ناشی از جنگ، جمهوری اسلامی ایران نیز به دنبال بازتعریف نقش منطقه‌ای خود است. طرح مجلس شورای اسلامی برای اخذ عوارض از کشتی‌های عبوری از تنگه هرمز نشان می‌دهد که تهران قصد دارد کنترل این مسیر استراتژیک را برای همیشه به ابزاری اقتصادی و ژئوپلیتیکی تبدیل کند. با این طرح، در آینده، عبور انرژی، حمل و نقل و امنیت غذایی از خلیج فارس دیگر رایگان نخواهد بود.

قاب

تشییع کوچک‌ترین شهید جنگ

پیکر مطهر شهید سه‌روزه، مجتبی ساجدی فرد، که در ۲۴ اسفند ۱۴۰۴ در حمله هوایی آمریکایی_رژیم صهیونیستی به یک منزل مسکونی در روستای امرآباد اراک به همراه سه نفر دیگر به شهادت رسید، روز چهارشنبه ۲۷ اسفند ۱۴۰۴ تشییع شد.

عکس: خبرگزاری ایرنا

اعتراف

پایان یک افسانه

سخنگوی سنتکام تأیید کرده که جنگنده اف۳۵ نسل پنجم در حال انجام «مأموریت رزمی بر فراز ایران» بوده که دچار حادثه شده است.

در معرفی جنگنده اف۳۵ نوشتند که این پرنده حق به چشم خدا هم نخواهد آمد. نوشتند شبح است و وقتی صدایش را می‌شنوید که کیلومترها از فراز سرتان عبور کرده باشد. لبه تکنولوژیک جهان است، قله است، بت بزرگ است. جنگنده اف۳۵ و ناو آبراهام لینکلن و ابرسوخت‌رسان بوئینگ، بت‌های سه‌گانه ارتش آمریکا بودند؛ تو بگولات و هبل و عزی. حالا برای نخستین بار پس از تولید این غول تکنولوژیک، ایران این کلاغ پر ادعا را زده است، گران‌قیمت‌ترین سلاح تاریخ بشریت را. حالا آبراهام لینکلن فرسخ‌ها از آب‌های سرزمینی ایران عقب نشسته و ابرسوخت‌رسان‌های آمریکایی در آسمان عراق هدف قرار می‌گیرند. حالا سؤال همه اندیشکده‌های نظامی جهان این است که چگونه؟ و من فریاد معروف آن پاسدار را از پای لانچرها می‌شنوم که «خدایا قادر مطلق تویی، همه‌کاره تویی و هرچه هست تویی.» به میلیتاریست‌ها و پژوهشگران نظامی جهان بگویید که این راز نه در دست‌های نظامیان، که در پیشانی‌های مسجود آنان نهفته است. چیزی که شما وژنرال‌هایتان از فهم آن عاجزید!